

واکنش مردم آمریکا به واقعه ۱۱ سپتامبر چگونه بوده است؟*

موسسه تحقیقات اجتماعی آمریکا

ترجمه و تلخیص: دفتر فصلنامه

مقدمه

در فردای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، گروهی از عالمان علوم اجتماعی در «موسسه تحقیقات اجتماعی» (ISR)، در نشستی در پی آن بودند که چگونه می‌توانند با به کارگیری امکانات و مهارت‌هایشان جهت‌گذار از این دوران به جامعه خود کمک نمایند. این گروه که جمعی از عالمان سیاسی، اقتصادی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، روان‌شناسی و روش‌شناسی را شامل می‌شد، از ابعاد مختلف به گمانه‌زنی نوع رفتار اجتماعی - و رفتار مطلوب - مردم پس از این رخداد پرداخت. در نتیجه این مباحثات بود که پروژه تحقیقاتی موسوم به^۱ HAR «چگونه آمریکاییان واکنش نشان دادند» شکل گرفت. این پروژه دو هدف عمده را تأمین کرد: اول اندازه‌گیری و سمت‌گیریهای اتخاذ شده بلافاصله پس از حادثه و دوم، بررسی تأثیرات رخداد در چشم‌انداز زمانی بعد از آن. برای این منظور ضمن استفاده از مجموع داده‌های موجود به گردآوری داده‌های تازه نیز همت گمارده شد تا بدینوسیله اطلاعات اولیه برای تجزیه و تحلیل توسط رایانه‌ها به دست آید.

در این ارتباط ISR الگوهای تحلیلی مشابهی را که قبلاً آمریکا تجربه کرده بود، پیش روی داشت؛ مواردی چون قتل جان‌اف‌کندی به سال ۱۹۶۳، شورش‌های اواخر ۱۹۹۲، انفجار ساختمان فدرال در اوکلاهاما به سال ۱۹۹۵ هر یک تا اندازه‌ای در همین الگو مورد تحلیل قرار گرفته بودند. این رخدادها اگرچه از آن حیث که تعداد زیادی از شهروندان آمریکایی را متأثر ساخته بودند، می‌توانستند نمونه خوبی باشند اما طراحان پروژه HAR آگاه بودند که هیچ‌کدام از حیث اهداف،

گستره تأثیرات و روش اجرا شبیه ۱۱ سپتامبر نیستند.^۱ در این مطالعه رخداد‌های طبیعی مدنظر نبوده‌اند چرا که این رخدادها طبیعتاً و بدون دخالت عوامل انسانی بوده و لذا نوع برخورد با آنها کاملاً متفاوت است.

HAR به بررسی نوع واکنش کلیه مردم در قبال این رخداد پرداخته است؛ چرا که برخلاف سایر رخدادها - حتی انفجار اوکلاهاما - این تنها حادثه‌ای بود که از حد «ناحیه‌ای» فراتر رفته و کل جامعه را متأثر ساخت. لازم به ذکر است که بعد از هر یک از این حوادث پژوهش‌های مستقلی صورت پذیرفته که در آن به تأثیرات روان‌شناختی آن بر کودکان، خانواده آسیب‌دیدگان و یا دیگر شهروندان در سایر نقاط، و یا به مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این واقعه پرداخته‌اند. HAR همه این پژوهشها را مورد توجه قرار داد و سعی داشت تا با نوعی جامعیت‌نگری بتواند ابعاد مختلف مساله را بررسی و به نتایجی ترکیبی دست یابد که معرف اصول مهمی در تحلیل فضای جامعه آمریکا «پس از ۱۱ سپتامبر» باشد. لازم به ذکر است که این پروژه دو فاز اصلی در نظرسنجی اولیه را شامل می‌شود. مرحله نخست در سپتامبر - اکتبر ۲۰۰۱ و مرحله دوم در مارس - آوریل ۲۰۰۲ به انجام رسید. در فاز اول HAR، با استفاده از روش RDD در مجموع ۷۵۲ نفر برای گفت‌وگو انتخاب شدند. در فاز دوم با ۶۱۳ نفر از فاز نخست و ۱۵۱ نفر دیگر (با همان روش انتخاب قبلی) از افراد جدید گفت‌وگو شد. (مجموعاً ۷۶۴ نفر در فاز دوم) هر گفت‌وگو نیز تقریباً ۳۰ دقیقه به طول انجامیده است. مجموع یافته‌های این پژوهش که فاز اول و دوم آن به انجام رسیده (و با عنوان موج اول و دوم ۱۱ سپتامبر از آن یاد می‌شود) مورد تحلیل قرار گرفته که محورهای اصلی آن در ادامه می‌آید.

۱. احساس امنیت

اولین تأثیر ناشی از موج اولیه واقعه ۱۱ سپتامبر، تضعیف جدی احساس امنیت شخصی نزد بسیاری از شهروندان آمریکاست. جدول شماره ۱ نتایج مربوط این پرسش را دسته‌بندی نموده است. لازم به ذکر است که این نظرسنجی در دو مقطع صورت پذیرفته، مقطع اول در زمان وقوع حادثه و مقطع دوم پس از عملیات آمریکا در خارج از مرزها، بوده است.

جدول شماره (۱)

حادثه ۱۱ سپتامبر تا چه میزان بر روی احساس ایمنی و آرامش خاطر
شخصی شما تاثیر گذار است

گروه	درصد
هیچ	۱۴
نه خیلی زیاد	۳۷
میزان قابل توجهی	۲۹
به میزان بسیار زیادی	۲۰
	۱۰۰

اما متعاقب حمله آمریکا به افغانستان و اتخاذ تصمیمات ساختاری چون تأسیس دفتر امنیت داخلی^۱ این احساس به میزان زیادی متحول شده است. نتایج بعدی این مطالعه از بهبود وضعیت احساس امنیت شهروندان در موج دوم ۱۱ سپتامبر حکایت دارد. با اینحال توجه به آمار دربردارنده نکات قابل توجهی است. در بررسی تطبیقی ای که با توجه به آمار مربوط به دو موج امنیتی حادثه ۱۱ سپتامبر، به عمل آمده آمار زیر حاصل آمده‌اند:

جدول شماره (۲)

تحول احساس امنیتی ناشی از حادثه ۱۱ سپتامبر در دو موج اول و دوم

گروه	درصد
بسیار تاثیر پذیرفته‌اند	۱۳
هرگز تاثیر نپذیرفته‌اند	۱۱
هنوز هم تحت تاثیر هستند	۳۷
کم تاثیر پذیرفته‌اند	۳۹

به عبارت دیگر اگر آمارهای موجود را از حیث میزان تاثیر پذیری افراد مورد بررسی قرار دهیم، مشاهده می‌شود که ۳۹ درصد از افراد در هر دو موج مطالعاتی بیان داشته‌اند که «تاثیر نپذیرفته‌اند»^۱، ۳۷ درصد، ۶ ماه بعد هنوز تحت تاثیر بوده‌اند^۲، ۱۳ درصد در همان ماه سپتامبر متاثر بوده‌اند، و تنها ۱۱ درصد از موج اول و موج دوم، تاثیر نپذیرفته‌اند. در مجموع چنین می‌توان نتیجه گرفت که میزان حساسیت شهروندان آمریکایی نسبت به این واقعه با گذشت زمان، به میزان قابل توجهی کاهش یافته و لذا سیاست‌های تهاجمی دولت بوش برضد تروریسم با گذشت زمان نیازمند توجه بیشتری برای افکار عمومی است. بر این اساس با گذشت زمان احساس ایمنی افزایش و میزان حساسیت به مساله، کاهش یافته است.

۲. توجه (درگیری) مردم به مساله

HAR برای اندازه‌گیری میزان درگیری مردم به این مساله، به طور مشخص میزان وقت صرف شده از سوی شهروندان برای ارابه هرگونه کمک یا فعالیتی در ارتباط با واقعه ۱۱ سپتامبر را به صورت «داوطلبانه» ملاک قرار داده است. بر همین اساس، این پرسش را طرح و مورد نظر سنجی قرار داده است: «آیا شما در ماه گذشته، هیچ وقتی را برای ارابه کمک یا انجام اقدامات داوطلبانه‌ای در ارتباط با رخداد ۱۱ سپتامبر، صرف کرده‌اید؟» «هنگامی که در سال ۱۹۹۶، AARP همین سوال را در ارتباط با رخداد «سال قبل» (یعنی سال ۱۹۹۵ و انفجار و اکلاهاما) طرح نمود، حدود ۴۳ درصد مردم پاسخ مثبت دادند. اما در هر دو موج اول و دوم از HAR، این رقم به ۳۹ درصد می‌رسد و بررسی تطبیقی آمار مربوط به دو موج اول و دوم نیز قابل توجه است: تنها ۲۶ درصد در هر دو مقطع حضور داوطلبانه داشته‌اند، و مابقی (یعنی ۴۷ درصد) فقط در یکی از دو مقطع حضور داوطلبانه داشته‌اند. جهت تحلیل هر چه بهتر «اقدام داوطلبانه» به عنوان یک شاخص، از کسانی که پاسخ مثبت داده بودند، پرسیده شد که چند ساعت را به این کار اختصاص داده‌اند. چنانکه جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، ساعات صرف شده در موج دوم در قیاس با موج اول به مراتب بیشتر بوده است:

جدول شماره (۳)

ساعاتی که به طور متوسط در دو موج اول و دوم
از رخداد ۱۱ سپتامبر به صورت داوطلبانه صرف شده است

تعداد	ساعت	
۸۹	۱۱/۷	داوطلبان در موج اول
۷۰	۱۲/۰	داوطلبان در موج دوم
۱۵۶	۱۶/۰	متوسط ساعت داوطلبانی که در هر دو موج بوده‌اند، با معیار موج اول
۱۵۷	۲۱/۸	داوطلبانی که در هر دو موج بوده‌اند، با معیار موج دوم

دو رقم ۱۲/۰ و ۱۱/۷ درصد حکایت از آن دارد که داوطلبان در هر دو موج اول و دوم تقریباً زمان یکسانی را صرف کرده‌اند. البته افرادی که در هر دو موج حضور داشته‌اند، با صرف ۱۶/۰ و ۲۱/۸ ساعت در مقایسه با سایرین، بیشترین دقت را صرف کرده‌اند. متوسط درصد چیزی بالغ بر ۳۶ درصد می‌شود که حکایت از افزایش میزان فعالیت‌های داوطلبانه از سوی این گروه دارد.

۳. اعتماد به دیگران

میزان اعتماد شهروندان آمریکایی به افراد پیرامونشان از جمله شاخص‌های دیگری است که در این نظرسنجی مدنظر بوده است. نظرسنجی‌ای که توسط «پوت‌نام»^۱ انجام شده، حکایت از آن دارد که در ارتباط بین مردم - حکومت، ۵۱ درصد از پرسش‌شوندگان در اواخر ۲۰۰۱ و پس از این رخداد، نسبت به دوره قبل از آن، به دولت بیشتر اعتماد کرده‌اند. به عبارت دیگر نگاه مردم به دولتشان معطوف شده است تا دیگران. نتایج نظرسنجی HAR نیز موید همین نتیجه است با مطالعه تطبیقی آمار مربوط به دو نظرسنجی مشخص می‌شود که $\frac{۲}{۳}$ پرسش‌شوندگان با این نتیجه «موافق»^۲ و یا «بسیار موافق»^۳ هستند. (میزان همبستگی بسیار زیاد می‌باشد).^۴

راه‌های دیگری برای سنجش میزان اعتماد وجود دارد. با استناد به پژوهشی که به تازگی توسط بورنز^۵ و کیندر^۶ در زمینه «اعتمادسنجی» انجام شده، مجریان HAR سه گونه پرسش را طراحی و از پاسخ‌دهندگان سوال نمودند.

1. Putnam

2. Agreed

3. Agreed Strongly

4. Gamma = 40, p < .001

5. Burns

6. Kinder

• اعتماد به مردم دیگر کشورها

• اعتماد به آمریکاییان

• اعتماد به همسایگان خودتان

تصور ذهنی ما بر این بود که به طور طبیعی میزان اعتماد مردم به این ترتیب خواهد بود: همسایگان، آمریکاییان، خارجی‌ها. اما آمار بدست آمده که در جدول شماره ۴ درج شده حکایت از واقعیت دیگری دارد:

جدول شماره (۵)

توزیع میزان اعتماد سوال شوندگان در موج دوم مطالعاتی

تعداد	انحراف استاندارد	متوسط	حداکثر	حداقل	
۶۸۹	۱/۱۸	۱/۷۶	۳	۰	اعتماد به خارجی‌ها
۷۱۵	۱/۰۴	۲/۱۰	۳	۰	اعتماد به آمریکاییان
۷۴۰	۰/۸۳	۲/۵۹	۳	۰	اعتماد به همسایگان

ارقام حکایت از آن دارد که متوسط اعتماد به «آمریکاییان» (۰/۳۴، حدود ۱۹ درصد) از متوسط اعتماد به ملل خارجی بیشتر است (مقایسه کنید ۲/۱۰ را با ۱/۷۶)؛ و به همین ترتیب در مورد همسایگان رقم ۰/۴۹ (یعنی ۲۳ درصد) را داریم که از متوسط اعتماد به آمریکاییان نیز بیشتر است و همچنین رقم ۰/۸۳ (یعنی ۴۷ درصد) را داریم که بنوبه خود از میزان اعتماد به خارجی‌ها بیشتر است. به عبارت دیگر افتحار و غرور ملی نزد آمریکاییان به شدت تهییج شده است. همین نتیجه‌گیری را می‌توان با توجه به میزان استقبالی که از استراتژی «مبارزه با تروریسم» دولت بوش در این دوران به عمل آمده تأیید کرد که ارقام از همگرایی بالایی برخوردار هستند.^۱ نتایج نظرسنجی‌های مذکور البته ارقام مربوط به اعتماد به همسایگان^۲ و اعتماد به خارجی‌ها^۳ همگرایی معناداری ندارند.

1. Gamma = 16,p<.001

2. Gamma = .08

3. Gamma=.02

۴. احساس آمریکایی‌ها نسبت به اقلیت‌های قومی و نژادی

در هر دو نظرسنجی به عمل آمده در خصوص احساس پرسش شوندگان نسبت به اقلیت‌های قومی - نژادی، پرسش شده است. چنانکه جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، تمامی گروهها در موج اول به مراتب بیشتر درگیر بوده‌اند تا موج دوم. این حکم در مقایسه این ارقام با ارقام موجود از سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ نیز صادق است. شاید بتوان طرح شعار «جنگ بر ضد تروریسم» را عامل اساسی این توجه منحصر بفرد دانست. ضمناً می‌توان ادعا کرد که: آنهایی که در موج نخست اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند، به مراتب در موج دوم نیز حضور بهتری را به نمایش گذارده‌اند.

جدول شماره (۶)

روند روبه افزایش درگیری گروههای قومی در آمریکا با توجه به

نظرسنجی HAR در موج نخست از ۱۱ سپتامبر

درصد

نظرسنجی NES سال ۱۹۹۸	نظرسنجی NES	نظرسنجی HAR سال ۲۰۰۱	گروههای قومی
۶۳	۶۳	۷۰	آمریکایی‌ها آفریقایی تبار
—	۵۸	۶۶	آمریکای‌های اسپانیولی تبار
—	۶۱	۶۴	آمریکایی‌های آسیایی تبار
۶۳	۷۲	۷۹	آمریکایی‌های سفید

البته این آمار در مقایسه با ارقام دیگری که با توجه به میزان ارتباط گروههای قومی با برج‌های دوقلو تهیه شده، معنا می‌دهد. به عبارت دیگر، آنهایی که ارتباط کمتری داشته‌اند، به طور طبیعی حساسیت کمتری نیز نشان داده‌اند. جدول شماره ۷ موبد این معناست:

جدول شماره (۷)
درصد ارتباط گروههای قومی آمریکا از حیث ارتباطشان با برج‌های دوقلو

درصد	گروه اجتماعی
۷۰	یهودیان آمریکایی
۵۰	اسراییلی‌ها
۵۰	مسلمانان آمریکایی
۵۰	اعراب آمریکایی
۲۵	اعراب خاورمیانه‌ای
۳۰	فلسطینی‌ها

نتایج فوق‌الذکر، کم و بیش در جریان موج دوم نیز قابل مشاهده است. به همین ترتیب نظرسنجی‌های مربوط به مهاجران نیز موید نگرش بالاست. بدین ترتیب که تا قبل از ۱۱ سپتامبر حدود ۸۷ درصد از مصاحبه‌شوندگان، نسبت به مهاجران با این باور که مهاجران به باز بودن فضای جامعه بر روی دیگر فرهنگها و افکار تاثیر مثبت دارند. موافق یا بسیار موافق بودند؛ حال آنکه پس از ۱۱ سپتامبر در مطالعه HAR رقمی معادل ۲۴ درصد تاکید داشته‌اند که مهاجران به رشد جرایم در آمریکا کمک کرده‌اند و این رقم در موج دوم ۱۱ سپتامبر به ۲۹ درصد می‌رسد.

نتیجه

آمارهای ارایه شده در این گزارش تصویری اجمالی از جامعه آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر را به ما نشان می‌دهد که اگرچه کلی است، اما می‌تواند بر محوریت مفهوم پیچیده «اتحاد اجتماعی»، نتیجه‌گیری قابل توجهی را عرضه بدارد. این واقعیت که میزان اعتماد و نگرش به داخل در میان آمریکایی‌ها افزایش یافته، نباید در بررسی اثرات ۱۱ سپتامبر نادیده انگاشته شود. از طرفی، آمار حکایت از آن دارد که گذشت زمان و تبلیغات به افزایش میزان دغدغه خاطر مردم نسبت به این حادثه منجر نشده و حتی شاهد کاهش آن نیز هستیم به عبارت دیگر، بخش خاصی از جامعه، نسبت به این رخداد واکنش مستمر نشان داده‌اند.

البته باید پذیرفت این نظرسنجی گام نخستین است و پروژه HAR هنوز ادامه دارد و در واقع گزارش حاضر، بیانگر نتایج اولیه، این اقدام پژوهشی به شمار می‌آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی